

- ۱- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. سؤال مذکور یک سؤال فلسفی است (سؤال از چیستی و ذات پدیده‌ها) که در حوزه هنر (زیبایی) قرار دارد.
- ۲- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. در علم اخلاق، همه‌جا صحبت از خوبی و بدی، باید و نباید است. در فلسفه علم اخلاق است که فیلسوفان، بحث و استدلال می‌کنند تا معلوم شود، اصولاً چه چیز خوب و چه چیز بد است (منظور از چه چیز خوب و چه چیز بد، تعیین مصداق خوبی و بدی نیست، بلکه تعریف خوبی و بدی است).
- ۳- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. سؤال از چیستی مکتب‌های هنری (نام بردن آن‌ها) مربوط به حوزه فلسفه نیست، بلکه مربوط به حوزه تاریخ هنر است.
- ۴- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. اگر ارزش‌های اخلاقی نسبی باشند می‌توان در مورد تبعیت آن‌ها از نفع فرد و جامعه سخن گفت. بحث از نسبیّت و مطلقیت ارزش‌های اخلاقی مربوط به فلسفه علم اخلاق است.
- ۵- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. سؤال از ماهیت و چیستی هر یک سؤال فلسفی است (جزء هنر نیست)، اما چون موضوع آن هنر است به هنر نیز مربوط می‌شود.
- ۶- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. فلسفه‌ای که در آن خوبی و بدی اموری اعتباری شناخته می‌شود و برحسب نوعی قرارداد میان مردم یک قبیله یا یک قوم یا جامعه معتبر می‌گردد، نمی‌تواند پایه‌های محکمی برای اخلاق بنا کند.
- ۷- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. نگاه فلسفی، نگاهی ریشه‌یاب است و فیلسوف همواره می‌کشد تا از ظاهر پدیده‌ها فراتر رود و آن‌چه را که در بن و باطن پدیدارهاست، بشناسد.
- ۸- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. حرکت و سکون هم در فیزیک از لحاظ خواص ماده و هم در فلسفه در بحث ثابت و متغیر بحث و بررسی می‌شوند و می‌توانند بخشی از موضوع مابعدالطبیعه باشند.
- ۹- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. اگر وحدت در کار نبود هرگز نمی‌توانستیم میان اشیا همانندی و مشابهت تشخیص دهیم و آن‌ها را برحسب همانندی‌هایشان دسته‌بندی کنیم و به هر دسته نام واحدی بدهیم.
- ۱۰- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ما معمولاً به اشیا از آن جهت توجه می‌کنیم که چه چیزی هستند (ماهیت و چیستی).
- ۱۱- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. در مابعدالطبیعه عام‌ترین خصوصیتی که همه‌ی موجودات را دربر می‌گیرد، یعنی وجود مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد. به همین دلیل احکام وجود عام‌ترین و شامل‌ترین و کلی‌ترین احکام را نسبت به همه‌ی علوم دارا می‌باشد.
- ۱۲- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. در فیزیک هر چیز را از لحاظ خواص ماده مثل گرمی و سردی، حرکت و سکون مطالعه می‌کنیم. مابعدالطبیعه (متافیزیک) علم به احوال موجودات است صرفاً از آن جهت که وجود دارند، نه از آن جهت که مثلاً موجودی کمیت‌دار هستند.

۱۳- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. فلسفه‌ی اولی همان مابعدالطبیعه است نه مهم‌ترین مصداق آن.

۱۴- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. ماهیت = چیستی ← سوال از ماهیت شیء = سوال از چیستی شیء = این شیء چیست؟

۱۵- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. مفاهیمی مانند وحدت، علیت، کثرت و ماهیت را می‌توان از مفاهیمی دانست که در سوال از اصل وجود و عوارض حاکم بر آن صحبت می‌کند، زیرا این‌ها موضوعات مابعدالطبیعه هستند.

۱۶- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. روشی که به کمک آن به قوانین علمی دست یافته‌اند، روش تجربی است.

۱۷- گزینه ۲ پاسخ صحیح است. علوم تجربی بر مبنای اصولی استوار هستند که فلسفه با روش عقلانی (غیرتجربی) عهده‌دار تحقیق و بررسی آن‌ها است.

۱۸- گزینه ۳ پاسخ صحیح است. این دانشمندان درباره‌ی ماهیت و حقیقت انسان عقایدی دارند که اثبات آن عقاید از راه‌های علمی و تجربی ممکن نیست و همان عقاید اساس و شالوده‌ی نظریات آن‌ها در رشته‌های علوم انسانی است.

۱۹- گزینه ۴ پاسخ صحیح است. شناخت یکی از موضوعات مهم فلسفه است که در آن از حقیقت ذهن آدمی و قواعد آن در شناخت عالم خارج سخن به میان می‌آید که سوال «چگونه ممکن است تصور کوه در مغز جای گیرد؟» مربوط به حوزه‌ی فلسفی شناخت (معرفت‌شناسی) است.

۲۰- گزینه ۱ پاسخ صحیح است. یکی از مباحث جامعه‌شناسی که ریشه در بینش فلسفی جامعه‌شناسان دارد، بحث انسان و پایگاه طبقاتی اوست.